

بررسی عوامل اجتماعی موثر بر رضایت از زندگی (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه پیام نور واحد شفت)

عادل سجودی

مدرس جامعه شناسی دانشگاه علمی کاربردی جهاد دانشگاهی و دانشگاه پیام نور استان گیلان (نویسنده مسئول) adelsojodi@yahoo.com

رضا معصومی راد

عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه گیلان

سولماز آوردیده

عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور واحد شفت استان گیلان

فرزین عبدی

کارشناسی علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور واحد شفت

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: اردیبهشت ۹۴

تاریخ پذیرش: مهر ۹۴

چکیده

رضایت از زندگی بیانگر نگرش مثبت فرد نسبت به جهانی است که در آن زندگی می کند و در واقع همان احساس خوشنودی است. رضایت از زندگی به متغیرهای متفاوتی بستگی دارد که یک سوی این نیازها به حکومت، سوی دیگر آن به جامعه و در نهایت به خود شخص بر می گردد. مسئله اصلی این است که با توجه به تغییرات سریعی که هر روز در جامعه اتفاق می افتد، رضایت از زندگی در حال حاضر چگونه است و تابع چه متغیرهای می باشد؟ از این رو هدف این مطالعه بررسی عوامل اجتماعی موثر بر رضایت از زندگی در بین دانشجویان دانشگاه پیام نور واحد شفت استان گیلان بوده است. در چارچوب نظری این تحقیق از نظریه های روانشناسی، روانشناسی اجتماعی و جامعه شناسی استفاده شده است. روش تحقیق، پیمایش بوده و به منظور جمع آوری داده ها از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق را دانشجویان دانشگاه پیام نور واحد شفت تشکیل می دهند و حجم نمونه تحقیق ۱۷۳ نفر بوده که به صورت نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS ۲۰ و بکارگیری آمار توصیفی و استنباطی صورت گرفته است. در این پژوهش رضایت از زندگی به عنوان متغیر وابسته و پذیرش اجتماعی، امید و خوشبینی، ویژگی های شخصیتی، جنسیت و وضعیت تاهل به عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده است. نتایج حاکی از آن است که رضایت از زندگی ۵۰/۳ درصد پاسخگویان در حد متوسط، در مقابل ۱۲/۴ درصد پاسخگویان رضایت کمی از زندگی داشتند و ۳۷/۳ پاسخگویان رضایت زیادی از زندگی خود داشتند. در این مطالعه بین متغیرهای پذیرش اجتماعی، ویژگی های شخصیتی و وضعیت تاهل با رضایت از زندگی رابطه معنادار وجود دارد.

واژه های کلیدی: رضایت از زندگی، پذیرش اجتماعی، ویژگی های شخصیتی و امید و خوشبینی

مقدمه

فیلسوفان و اندیشمندان در طول تاریخ همواره بر این باور بوده اند که ویژگی های مانند دوست داشتن، شادکامی، عدم وابستگی، از جمله مولفه های اساسی رضایت از زندگی است. بهرورزی و خوشبختی متاعی است که همواره انسان ها به دنبال آن هستند و هر کسی تعبیر خویش را از آن دارد اما روانشناسان اجتماعی ثابت کرده اند، معنای مشترکی برای خوشبختی در میان مردم نیست، بلکه همه حس خوشایند رضایت از شرایط را خوشبختی می نامند. امروز با تغییر شکل زندگی، گسست روابط، جانشینی رسانه های ارتباط جمعی به جای روابط خانوادگی و گروهی افراد، فقدان محیط های فرح بخش، افزایش مصرف گرایی، ترویج و تبلیغ شادی های کاذب، گسترش خشونت و نداشتن تعریف درستی از شادی و مشکلات عدیده ای از قبیل فقر، نداشتن امید به شغل آتی، عدم رضایت از وضعیت موجود، فقدان رفاه نسبی، ... پرداختن به نشاط را به صورت یک اصل انکار ناپذیر در آورده است (فرجی و خادمیان، ۱۳۹۲: ۸۸). جهت دستیابی به سلامت عمومی افراد جامعه و رهایی از برخی معضلات جامعه و تنش های اجتماعی باید به نشاط، امید و خوشبینی به عنوان متغیرهای تعیین کننده بر میزان رضایت از زندگی افراد جامعه تاکید کرد. رضایت از زندگی^۱ بیانگر نگرش مثبت فرد نسبت به جهانی است که در آن زندگی می کند و در واقع همان احساس خشنودی است که در پی دستیابی به آن زمانی نه چندان کوتاه سپری می نماید. فلسفه ای است که شخص آگاهانه برای زندگی خویش انتخاب کرده و ناخودآگاه آن را در ذهن دارد (خوارزمی، ۱۳۸۸: ۸).

تداوم تعهد فرد به نظام اجتماعی ریشه در رضایت از خود، جامعه و به طور کلی شرایط زندگی فرد دارد. هر فرد از طریق تحلیل شرایط پیرامون خود، می تواند اوضاع فردی خویش را دریافته و به ارزیابی آن بپردازد. عواطف مثبت در مورد شرایط خود اگر چه عنصری ذهنی است، ریشه در شرایط عینی دارد. این حقیقت را نمی توان نادیده انگاشت که مولفه های اصلی در ارزیابی مثبت و منفی هر فرد، تحلیل و ارزیابی ذهنی او از شرایط خود و جامعه در مقایسه با دیگران است. چنانچه ارزیابی فرد از اوضاع شخصی یا زندگی خود به نتایج منفی بینجامد، این احساس منفی در همان بخش محدود نمی ماند و بسیاری از رفتارها و گرایشات فرد به وضعیت فردی و شرایط اجتماعی را تحت تاثیر قرار می دهد (علی بابایی و باینگانی، ۱۳۹۰: ۱۸). رضایت از زندگی، یک فرایند داوری است که افراد، کیفیت زندگی خود را براساس ملاک های منحصر به فرد خود ارزیابی می کنند. رضایت از زندگی، یک صفت پایدار و عینی نیست. بلکه به تغییرات موقعیتی، حساس بوده و براساس برداشت و دیدگاه خود افراد در نظر گرفته می شود. برای اندازه گیری رضایت از زندگی، ابزارهای مختلفی طراحی شده است. اما پرکاربردترین ابزار اندازه گیری رضایت از زندگی، مقیاس رضایت از زندگی^۲ SWLS است که توسط دینر^۳ و همکاران (۱۹۸۵) طراحی شده است. SWLS برای اندازه گیری قضاوت کلی فرد از رضایت از زندگی که به طور نظری، براساس مقایسه ی شرایط زندگی با استانداردهای از پیش تعیین شده پیش بینی می شود، طراحی شده است. از آنجایی که افراد مختلف، ممکن است ایده های متفاوتی درباره ی ترکیبات یک زندگی خوب داشته باشند، SWLS برای اندازه گیری رضایت از زندگی کلی افراد طراحی شده است (شیخی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۹).

امروزه موضوع بهزیستی، رضایت از زندگی، امیدواری و شادکامی از مباحثی هستند که توجه و علاقه بسیاری از صاحب نظران و فیلسوفان را به خود جذب کرده است، به طوری که اساس و پایه بسیاری از پژوهش ها در سرتاسر جهان قرار گرفته و در میان مباحث و مطالعات گوناگون از اهمیت ویژه ای برخوردارند. چرا که به رغم پیشرفت های علمی در زمینه های مختلف، هنوز انسان ها در زندگی خود با موقعیت ها، اتفاقات و وقایعی مواجه می شوند که می تواند سلامت روانی انسان به ویژه امید، رضایت از زندگی و شادکامی را دچار اختلال گرداند (جمال زاده و گلزاری، ۱۳۹۳: ۳۲).

1 - Life satisfaction

2 - Satisfaction with Life Scale

3 - Diener

بررسی های تجربی در مورد رضایت از زندگی و به دنبال آن در چارچوبی گسترده تر بهزیستی فاعلی از اوایل قرن بیستم شکل گرفتند. فلوگل خلق و خو را از طریق ثبت رویدادهای عاطفی مطالعه کرد. پژوهشگران بعد جنگ جهانی دوم نیز رضایت از زندگی و شادکامی را با استفاده از فهرست های ساده بررسی کرده اند (بیانی و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۶۰). اخیراً احساس رضایت از زندگی، مورد علاقه جامعه شناسان و سایر رشته های مرتبط با توسعه قرار گرفته است. می توان گفت افراد زمانی از زندگی رضایت دارند که به لحاظ زیستی، روانی، اقتصادی و اجتماعی از شرایط معینی برخوردار باشند. از این رو یکی از ویژگی های رضایت از زندگی آن است که فرد احساس سلامت، شادکامی و سر زندگی داشته باشد. رضایت از زندگی نقش موثری در تکوین یا تغییر رویکردهای توسعه و برنامه ریزی اجتماعی دارد. به عبارتی تدوین برنامه هایی توسعه براساس داده های زمینه یابی اجتماعی، نوعی تغییر رویکرد در برنامه ریزی از بالا به پایین به وجود می آورد و منجر به تقویت نگاه از پایین به بالا در برنامه های توسعه و در پی آن، سیاست گذاری اجتماعی می شود. این نوع دگرگونی در رویکرد سیاست گذاری و برنامه ریزی اجتماعی است، چرا که داده های این الگو از پایین به بالا عرضه و طراحی می شوند. برنامه ریزی و سیاست گذاری اجتماعی به مثابه ی ابزاری در جهت اجرای برنامه های توسعه، از یک سو مستلزم شناخت ساختارهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و از سوی دیگر مستلزم شناخت الگوهای تعاملات اجتماعی است (محسنی تبریزی و حیدری، ۱۳۹۰: ۱۰۵).

رضایت از زندگی یکی از مسائلی است که تحت تاثیر فرهنگ قرار می گیرد. مسایل اساسی زندگی از قبیل اینکه زندگی خوب چیست؟ شادی چیست؟ به شدت تحت تاثیر ارزش های فرهنگی قرار دارند، پس می توان اظهار داشت که شخصیت و فرهنگ تاثیر متقابل بر یکدیگر دارند و هر دو می توانند سطح رضایت فرد را تعیین کنند. عوامل بیرونی مانند سطح درآمد، تحصیلات و پایگاه اجتماعی - اقتصادی تنها بخش کوچکی از میزان رضایت از زندگی و شادمانی فرد را تعیین می کنند. البته، این احساس بیشتر به ویژگی های ثابت شخصیتی مربوط می شود. اهداف عمده در زندگی، پیشرفت به سوی آنها و تعارض بین اهداف که کاملاً وابسته فرهنگ هستند، همگی سطح سلامت، رضایت از زندگی و شادمانی را تحت تاثیر قرار می دهند (خسروی و ناهیدپور، ۱۳۹۱: ۲).

در خصوص اهمیت موضوع مورد بررسی باید خاطرنشان ساخت که انسان موجودی هدفمند و همیشه در پی ارزیابی از وضعیت زندگی می باشد و تا زمانی که به آنچه می خواهد دست نیابد احساس رضایت نمی کند. شاید به جرأت بتوان گفت نهایت آمال هر انسانی، تحقق اهداف و آرزوهایش است. البته سطح اهداف و آرزو ریشه در شرایطی دارد که فرد در کنش متقابل با دیگران و وضعیت موجود به دست می آورد. از این رو، امروزه هر جامعه ی توسعه یافته به فکر رضایت افراد جامعه خود می باشد؛ زیرا رضایت از زندگی با توسعه اجتماعی و اقتصادی همخوانی و همبستگی بالایی دارد (اینگلهارت؛ ۱۹۹۴: ۳۳). عنصر رضایت یکی از عناصر اساسی سلامتی روانی، انسجام و همبستگی اجتماعی است، توجه به آن از این جهت حائز اهمیت است که می توان ضمن شناخت شرایط روانی جامعه، عناصر اجتماعی بسیاری را مورد بررسی و ارزیابی قرار داد. از سوی دیگر باید توجه داشت که وجود و تداوم ناراضی در زندگی مردم برای هر نظام اجتماعی مشکل آفرین است. زیرا تداوم و گسترش آن باعث کم رنگ شدن تعهد افراد به نظام ارزشی و اعتماد آنها به سایر اعضای جامعه شده و چه بسا منشأ بسیاری از تحولات اجتماعی شود. (هزارجریبی و صفری شالی، ۱۳۸۸: ۴). در جوامع در حال توسعه، از جمله کشور ما ایران، امکان رشد اقتصادی مستمر عملاً وجود ندارد و در صورت وجود هم، بنابر نتایج تحقیقات (مولر، ۱۹۹۵) به علت شدت نابرابری اجتماعی - اقتصادی درصد کوچکی از اعضای جامعه امکان فعالیت های اقتصادی مستمر دارند، در نتیجه امکان بروز ناراضی بیشتر فراهم می آید. علاوه بر این قرار گرفتن کشورهای توسعه نیافته در مسیر مدرنیسم از میزان باورهای تقدیرگرایانه آنها می کاهد که این امر نیز به نوبه خود سبب افزایش ناراضی می گردد (رفیع پور، ۱۳۷۷: ۷۴).

بنابراین، با پدیده ای مواجه هستیم که جمعیت فراوانی از جوانان جامعه را در بر می گیرد؛ این جمعیت، جمعیتی سرنوشت ساز (دانشجویان) هستند و کاهش رضایت از زندگی آنان پیامدهای را به همراه دارد که می تواند زمینه ساز بسیاری از رخدادهای اجتماعی دیگر گردد.

حسین زاده و همکاران (۱۳۹۳) تحقیقی تحت عنوان حمایت اجتماعی و رضایت از زندگی در نوجوانان: نقش خودکارآمدی و حرمت خود انجام دادند. روش تحقیق پیمایشی بوده و ۲۱۳ دانش آموز مقطع دبیرستان برای شرکت در این مطالعه به روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شدند. همچنین از مقیاس چند بعدی حمایت اجتماعی ادراک شده (زیمت، دالم و فارلی، ۱۹۸۸)، مقیاس خودکارآمدی عمومی (شرر و همکاران، ۱۹۸۲)، مقیاس حرمت خود (روزنبرگ، ۱۹۶۵) و مقیاس رضایت از زندگی (دینر، لارسن و گریفین، ۱۹۸۵) استفاده شده است. نتایج تحلیل مسیر حاکی از آن است که حمایت اجتماعی با سه متغیر خودکارآمدی، حرمت خود و رضایت از زندگی رابطه مثبت و معناداری دارد. افزون بر آن، رابطه حرمت خود با رضایت از زندگی و رابطه خودکارآمدی با حرمت خود مثبت و معنادار است. در مجموع یافته ها نشان می دهد حمایت اجتماعی بر رضایت از زندگی اثر مستقیم دارد، خودکارآمدی و حرمت خود بر رضایت از زندگی به صورت غیرمستقیم تاثیرگذار است.

حجازی و همکاران (۱۳۹۳) بررسی تحت عنوان نقش واسطه ای انگیزش درونی در رابطه بین نیازهای بنیادین روانشناختی و رضایت از زندگی انجام دادند. این پژوهش در قالب یک مدل علی و براساس نظریه خودتعیینی گری انجام شد. بدین منظور، ۲۹۲ از دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه تهران مورد مطالعه قرار گرفتند. نتایج تحلیل مسیر حاکی از آن است که نیاز به خود پیروی، شایستگی و تعلق به طور مستقیم با انگیزش درونی رابطه دارد. نیاز به خود پیروی، شایستگی با واسطه انگیزش درونی بر رضایت از زندگی اثر غیرمستقیم و مثبت دارد، اما اثر غیر مستقیم نیاز به تعلق بر رضایت از زندگی رابطه معناداری ندارد. در مجموع در این تحقیق نیازهای روانشناختی ۲۹ درصد از انگیزش درونی را تبیین می کنند و ۲۲ درصد از تغییرات رضایت از زندگی توسط نیازهای روانشناختی و انگیزش درونی پیش بینی می شود.

تحقیقی که فرجی و خادمیان (۱۳۹۲) تحت عنوان بررسی نقش رضایت از زندگی بر میزان نشاط اجتماعی انجام داده اند. روش این تحقیق پیمایش بوده و از پرسشنامه جهت گردآوری داده ها استفاده شده است. در این مطالعه ۳۵۰ دانشجوی را به روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای از میان دانشجویان دانشگاه آزاد واحد تهران شرق انتخاب گردیدند. اطلاعات بدست آمده با استفاده از آزمون های آماری توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته های این تحقیق حاکی از آن است که بین رضایت از زندگی دانشجویان و میزان نشاط آنها رابطه معناداری وجود دارد. همچنین بین متغیرهای درآمد و محرومیت نسبی و میزان رضایت از زندگی همبستگی معناداری وجود دارد.

خسروی و ناهید پور (۱۳۹۱) پژوهشی تحت عنوان بررسی رضایت از زندگی، باور به عادلانه بودن دنیا و حمایت های اجتماعی در دانشجویان ایرانی و هندی پرداختند. روش تحقیق علی-مقایسه ای بوده است. تعداد ۱۹۷ دانشجوی دختر از دانشگاه تهران و ۹۷ دانشجوی دختر دانشگاه پونا هند مورد مطالعه قرار گرفتند. برای جمع آوری داده ها از نمونه مورد مطالعه از سه پرسشنامه رضایت از زندگی دینر و همکاران (۱۹۸۵)، باور به عادلانه بودن دالبرت (۲۰۰۱) و حمایت اجتماعی زیمت و همکاران (۱۹۸۸) استفاده گردید. نتایج حاکی از آن است که دانشجویان هندی در مقایسه با دانشجویان ایرانی نمره بالاتری در رضایت از زندگی، باور به عادلانه بودن دنیا و حمایت های اجتماعی بدست آوردند. همچنین، بین رضایت از زندگی، باور به عادلانه بودن دنیا و حمایت های اجتماعی هم در دانشجویان ایرانی و هم دانشجویان هندی همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد.

بررسی که کیوودو و آبالا (۲۰۱۱) تحت عنوان رابطه بین شخصیت و رضایت از زندگی انجام دادند. به نظر آنها تعاملات اجتماعی احساس تعلق را که لازمه بهزیستی است، را افزایش می دهد.

پژوهش گیولاکتی^۱ (۲۰۱۰) تحت عنوان تاثیر حمایت اجتماعی بر رضایت از زندگی بیانگر این است که حمایت اجتماعی ادراک شده ۴۳ درصد رضایت زندگی را تبیین می کند. به اعتقاد وی گذراندن وقت با خانواده تاثیری مستقیم بر رضایت افراد دارد. همچنین حمایت ادراک شده دوستان به طور غیرمستقیم بر سطح رضایت فرد اثر می گذارد، چنانچه فرد خود را بهتر از دوستانش ادراک کند، رضایت وی افزایش می یابد. افرادی که حمایت اجتماعی بالایی را دریافت می کنند، از زندگی خود احساس رضایت بیشتری دارند.

مالوف^۲ و همکاران (۲۰۱۰) در پژوهش خود با عنوان مدل پنج عاملی شخصیت، رضایتمندی از زندگی، در یک فرا تحلیل نشان دادند که چهار مدل از پنج عامل شخصیت ارتباط معنادار با رضایت از زندگی دارد، که عبارتند از: عصی بودن کم، توافق برون گرایی و وجدانی بودن بالا.

هالدون^۳ و همکاران (۲۰۰۷) طی پژوهشی رضایت بعد از عمل و تصور از بدن بیماران، رضایت از زندگی و عزت نفس دختران و پسران نوجوان را بعد از جراحی مربوط به زیبایی، مورد مقایسه قرار دادند. آنها دریافتند که تفاوت معناداری در میزان رضایت بعد از عمل مردان و زنان وجود ندارد و رضایت بعد از عمل به طور معناداری با عزت نفس، تصویر از بدن و رضایت از زندگی مرتبط است.

چارچوب نظری

به نظر اینگلهارت (۱۹۹۸) احساس رضایت از زندگی بازتاب توازن میان آرزوهای شخصی و وضعیت عینی فردی به وجود می آید. مدلی را که به منظور تأیید تحلیل های بالا به کار می برد مدل آرزو _ تطابق نام دارد. الگویی که طبق آن آرزوهای شخصی به تدریج با تغییرات در وضعیت عینی تطابق می یابد و این تطابق به گونه صورت می گیرد که بین غم و شادی موازنه ای ایجاد می کند. در اینجا نظریه ی تطابق ذهنی مطرح می شود. بدین معنا که سطح آرزوهای فرد به تدریج با وضعیت او تطابق می یابد و خوشبختی همیشه بر فراز تپه ی بعدی قرار می گیرد (رنگین کمان؛ ۱۳۸۶ : ۳). از نظر ازکمپ (۱۹۹۵) رضایت از زندگی بر تجربه شناختی و داورانه ای دلالت دارد که به عنوان اختلاف ادراک شده بین آرزو و پیشرفت در زندگی (یعنی تحقق آرزو) تعریف می شود. این تعریف طیفی را تشکیل می دهد که از ادراک کامروایی تا حس محرومیت را در بر می گیرد. این مفهوم با مفهوم خوشحالی که بر تجربه عاطفی (هیجان و احساسات) تاکید دارد، متفاوت است (هزار جریبی و صفری شالی؛ ۱۳۸۸ : ۲). پات و دینر رضایت از زندگی را بعنوان فرایندهای قضاوتی تعریف کرده اند که در آن افراد کیفیت زندگی شان را براساس مجموعه ای از معیارهای منحصر به فردشان ارزیابی می کنند. این تعریف نشان می دهد که رضایت از زندگی هدف دائمی برای فرد نیست، بلکه نسبت به تغییرات زمینه ای حساس می باشد و از دیدگاه و نقطه نظرات خود پاسخگویان مورد ارزیابی و توجه قرار می گیرد (سوامی و چامرو، ۲۰۰۸ : ۲۵).

دینر (۱۹۹۵) دریافت که در سطح فردی پژوهش احترام به خود و بهزیستی درونی با یکدیگر همبستگی دارند، این که همبستگی بین بهزیستی درونی و رضایتمندی از جنبه های گوناگون زندگی همچون خود، خانواده و دوستان، در کشورهای فردگرا بیشتر از کشور جمع گرا است. فردگرایی پیوند نزدیکی با ثروت دارد. مطالعه هافستد (۱۹۸۰) نشان داد که فردگرایی و درآمد ناخالص ملی حدود ۰/۸۰ همبستگی دارند. ثروت تأثیر مثبتی روی بهزیستی دارد و باعث کنترل بیشتر روی محیط، استقلال بیشتر، و افزایش در بهزیستی درونی می شود (لاکمن و ویور، ۱۹۹۸).

¹ - Gulaçti

² - Malouf

³ - Holdun

راستا سلیگمن (۲۰۰۲) هیجان‌ات مثبت را به سه دسته تقسیم می‌کند. اگر هیجان‌ات مثبت همراه با زمان گذشته بیابند شامل رضایتمندی، خوشنودی، کمال و امید و خوشبینی، سرافرازی و آرامش اند و هم هیجان‌های مثبت اصلی هستند، اما اگر با زمان حال همراه شوند، به دو حالت لذت زودگذر و خوشنودی با دوام پدید می‌آیند (سو؛ ۱۳۸۹: ۹۲).

اشتادینگر، فلیسون و بلتر (۱۹۹۷) شخصیت را در رابطه با بهزیستی درونی مطالعه کردند و دریافتند روانجویی با آن به طور منفی ارتباط دارد. انعطاف پذیری، برون‌گرایی، خودآگاهی، احساس تسلط محیطی، رشد فردی، هدف در زندگی و خودپذیری به طور مثبتی با بهزیستی درونی ارتباط برقرار می‌کند (تریاندیس؛ ۱۳۸۹: ۳۶). واتسون و همکاران (۱۹۹۸) در بررسی مدل درمانی رفتار عقلانی^۱ هیجانی به بررسی روابط متقابل میان باورهای غیرمنطقی^۱ (بررسی عقاید شخصی^۲ و مقیاس عقاید^۳)، احترام به خود (روزنبرگ)، مسولیت پذیری اجتماعی^۴ و IC (مقیاس جمع‌گرایی یا ماگوشی به علاوه مقیاس ارزش فردگرایی و جمع‌گرایی چان) در دانش آموزان دبیرستانی امریکا پرداختند. آنها دریافتند که ارزش‌های جمع‌گرایی به طور مثبتی با خود ارزشی^۵، مسولیت‌پذیری اجتماعی، انزوای اجتماعی و همه خرده‌مقیاس‌های باور غیرمنطقی ارتباط دارد، اما به طور منفی با بی‌هنجاری مربوط می‌شد. ارزش‌های فردگرایی، وقتی که ارزش‌های جمع‌گرایی کنار گذاشته می‌شد، با احترام به خود و بی‌هنجاری^۶ ارتباط داشت. این نتایج پیشنهاد می‌کند که حداقل درون یک فرهنگ فردگرا، ارزش‌های جمع‌گرایی بیشتر از ارزش‌های فردگرایی غیرمنطقی اند (دینر و سو؛ ۱۳۸۹: ۵۹)

کاستا و مک کری^۷ (۱۹۸۷) شخصیت را متشکل از پنج عامل اصلی می‌دانند. فرض بر این است که این پنج عامل بسیاری از ویژگی‌های شخصیتی را پوشش می‌دهد، گرایش عصبی بودن (بی‌ثباتی هیجانی) با خشم، اضطراب و افسردگی همراه است و برون‌گرایان نیز تمایل به فعالیت‌های جسمی و کلامی دارند. شخص وظیفه‌مدار با سخت‌کوشی، انضباط و جدیت مشخص می‌شود. فرد موافق، اساساً با تواضع، همدلی، بخشندگی، مهربانی، سخاوت، نوع دوستی و اعتماد ورزی مشخص می‌شود (فاضل و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۴۲). اویشی، دینر، شیماک (۱۹۹۹) انواع خاصی از عواطف مثبت را که سبب می‌شود افراد در مجموع احساس خوبی از زندگی داشته باشند را پیگیری کردند. این تحقیقات براساس مدل هدف به عنوان تعدیل‌کننده، فرض کردند که تجربیات عاطفی خاص که سبب احساس مثبت افراد نسبت به زندگی‌شان می‌شود متفاوت است و به نیازها و ارزش‌ها وابسته است (دینر و سو، ۱۳۸۹). شواهد زیادی نشان می‌دهد که در بین فرهنگ‌ها احترام به خود مثبت به طور مثبتی با رضایتمندی از زندگی بین فرهنگ‌ها همراه است (دینر و سو، ۱۹۹۵؛ گروپ و همکاران، ۱۹۹۶؛ کوان بوند و سینگلز، ۱۹۹۷). به اعتقاد راجرز عزت نفس عبارت است از ارزیابی مداومی که فرد نسبت به ارزشمندی خود دارد (شاملو؛ ۱۳۸۲: ۱۴۴).

از نظر کیز (۲۰۰۰) افرادی که سطوح مطلوبی از این بعد بهزیستی اجتماعی را دارا می‌باشند دید مثبتی بر ذات بشر دارند، به افراد دیگر اعتماد می‌کنند و معتقدند مردم قادرند خوب باشند. شناخت و پذیرش دیگران، عنصر پذیرش و ارزش فرد به عنوان یک شریک اجتماعی، عنصر تشریک‌مسابی و سرانجام باور به تحول مثبت اجتماعی، عنصر شکوفایی بهزیستی است و این عناصر می‌توانند وحدت اجتماعی، پیوند اجتماعی و حسن ظرفیت برای رشد مداوم جامعه و میزان راحتی افراد در پذیرش دیگران را ارزیابی کنند (کیز، ۲۰۰۳، ۲۰۰۴، ۲۰۰۵). در مجموع وجود یا عدم وجود سلامت روان را مطرح کند (سگرین و تایلر، ۲۰۰۷). از نظر کیز (۱۹۹۸) پذیرش اجتماعی و شکوفایی با سلامت روان ارتباط دارد و کیفیت ارتباط با جامعه را عنصر پیوستگی و یکپارچگی فرد دانست (عسگری؛ ۱۳۸۹: ۳).

1 - irrational

2 - survey of personal beliefs

3 - belief scale

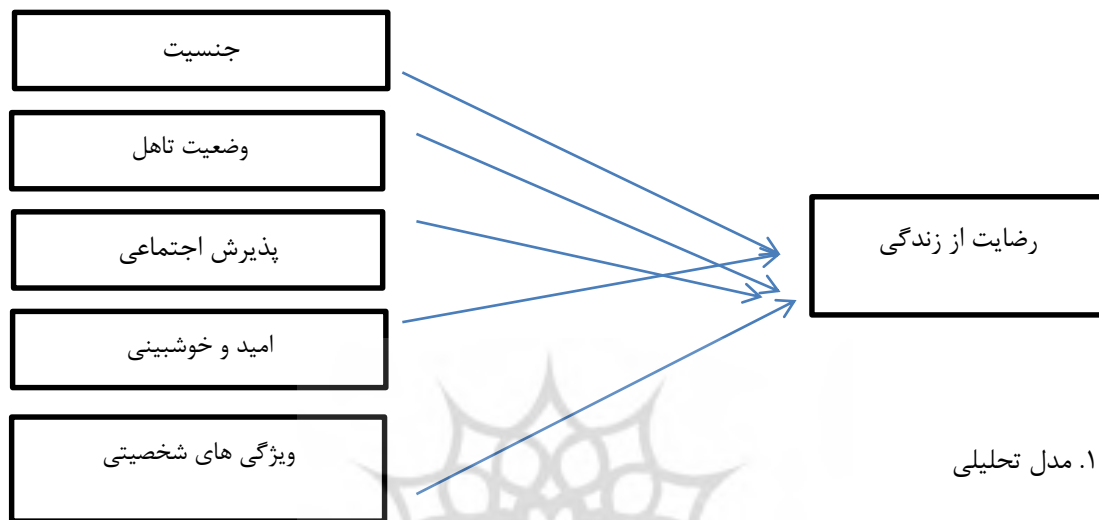
4 - social responsibility

5 - self-worth

6 - Norm lessness

7 - Costa & McCrea

به اعتقاد لئونگ و همکاران (۲۰۱۰)، رابطه مثبت پذیرش اجتماعی با رضایت از زندگی به معنای آن است که رابطه مهمی بین بهزیستی (خوشبختی) شهروندان و سطح پذیرش اجتماعی و اعتماد آنها به بخش های عمومی و خصوصی جامعه وجود دارد. در ارتباط با کانال های ارتباطی و اطلاعاتی، شبکه اجتماعی قوی از دوستان عامل مهمی در تعیین سطح رضایت از زندگی فرد به حساب می آید. به ویژه دیدار دوستان و داشتن دوستان بیشتر، همچنین داشتن خویشاوندانی که فرد احساس می کند به آنها نزدیک است، رابطه مثبتی با رضایت از زندگی داشت (امیرکافی و زارع، ۱۳۹۱).



نمودار ۱. مدل تحلیلی

روش تحقیق

در این بخش ابتدا به بیان فرضیه های تحقیق می پردازیم. سپس تعریف نظری و عملیاتی متغیرهای مستقل و وابسته اشاره می شود. همچنین به نکاتی در مورد جامعه آماری و نمونه تحقیق اشاره می کنیم و در نهایت، اعتبار و روایی ابزار سنجش را مورد بررسی قرار می دهیم.

جامعه آماری و نمونه تحقیق (روش اجرای تحقیق)

روش اجرای تحقیق پیمایش می باشد، جمع آوری داده ها از پرسشنامه صورت گرفته است. جامعه آماری پژوهش حاضر نیز دانشجویان دانشگاه پیام نور واحد شفت استان گیلان در سال تحصیلی ۹۳-۹۲ هستند که طبق اطلاعات دریافتی از مسئولین مربوطه در مجموع ۹۷۶ نفر می باشند. با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی ساده ۱۷۳ نفر از دانشجو دانشگاه پیام نور واحد شفت به عنوان نمونه انتخاب شده اند.

اعتبار و پایایی

به منظور تعیین اعتبار و پایایی ابزار سنجش، ابتدا گویه های مربوط به متغیرهای مستقل و وابسته طرح و در قالب پرسش نامه تنظیم شد و در اختیار استادان دانشگاه قرار گرفت تا نظرات خود را درباره قابلیت سنجش آنها و رعایت نکات دستوری و نگارشی اعلام کنند. در این مرحله، با توجه به دیدگاه های مطرح شده، نسبت به اصلاح، تعدیل و حذف برخی گویه ها اقدام شد. پس از تعیین اعتبار صوری، سنجش روایی (پایایی) شاخص ها در دو مرحله آزمون مقدماتی (مصاحبه با ۳۰ نفر از دانشجویان) و آزمون نهایی (مصاحبه با ۱۷۳ نفر) انجام گرفت. نتایج مربوط به آزمون نهایی که بر اساس محاسبه ضریب آلفای کرونباخ متغیرهای مستقل و متغیر وابسته صورت گرفته است که در جدول ۱ مندرج است. چنانکه ملاحظه می شود، ضرایب محاسبه شده نسبتاً بالا و قابل ملاحظه است.

جدول شماره ۱. ضرایب آلفای کرونباخ پرسشنامه

متغیر	تعداد گویه	ضریب آلفا
رضایت از زندگی	۵	۰/۸
پذیرش اجتماعی	۱۴	۰/۷
امید و خوشبینی	۳	۰/۷
ویژگی های شخصیتی	۹	۰/۷

یافته ها

در این مطالعه دانشجویان دانشگاه پیام نور واحد شفت استان گیلان (با حجم نمونه ۱۷۳ نفر) مورد بررسی قرار گرفته اند، که با نرم افزار SPSS 20 تحلیل شده اند. اینک به شرح آمار توصیفی می پردازیم. سپس آزمون های استنباطی تشریح می شود.

- در این تحقیق ۲۷ درصد از پاسخگویان را مردان و ۷۴ درصد را زنان تشکیل می دهند.
- از نظر وضعیت تأهل ۷۱ درصد پاسخگویان مجرد و ۲۹ درصد پاسخگویان مجرد هستند.
- بیشتر پاسخگویان در رشته تحصیلی روانشناسی تحصیل می کردند (۳۳ درصد) و کمترین تعداد مربوط به رشته علوم اجتماعی بوده است (۱۸درصد).
- از نظر رضایت از زندگی، ۵۰/۳ درصد پاسخگویان رضایت متوسطی از زندگی داشتند در مقابل ۱۲/۴ درصد پاسخگویان رضایت کمی از زندگی داشتند و ۳۷/۳ پاسخگویان رضایت زیادی از زندگی خود داشتند.

آزمون فرضیه ها

فرضیه اول: بین جنسیت و رضایت از زندگی رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۲. مقایسه میانگین رضایت از زندگی براساس جنسیت

جنس	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد
مرد	۴۳	۱۵/۸۸	۳/۸۹	۰/۵۹
زن	۱۱۸	۱۶/۹۹	۳/۴۸	۰/۳۲
بدون پاسخ	۱۲			
جمع	۱۷۳			
جنس	مقدار t	درجه آزادی	سطح معنی داری (دو طرفه)	تفاوت میانگین ها
با فرض برابری واریانس ها	-۱/۷۳	۱۵۹	۰/۰۸۶	-۱/۱۱

با استفاده از آزمون تی ° تست، میانگین رضایت از زندگی به تفکیک جنس مورد مقایسه قرار گرفته است. نتایج حاصل از آزمون تی ° تست نشان می دهد که میزان رضایت از زندگی در میان زن و مرد به لحاظ آماری معنادار نیست (جدول شماره ۲).

فرضیه دوم: بین وضعیت تاهل و رضایت از زندگی رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۳. مقایسه میانگین رضایت از زندگی براساس وضعیت تاهل

وضعیت تاهل	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد
مجرد	۱۱۶	۱۶/۲۶	۳/۴۸	۰/۳۲
متاهل	۴۵	۱۷/۸	۳/۷۶	۰/۵۶
بدون پاسخ	۱۲			
جمع	۱۷۳			

ادامه جدول ۳

وضعیت تاهل	مقدار t	درجه آزادی	سطح معنی داری (دو طرفه)	تفاوت میانگین ها
با فرض برابری واریانس ها	- ۲/۴۵	۱۵۹	۰/۰۱۵	۱/۵۳

با استفاده از آزمون تی^۰ تست، میانگین رضایت از زندگی به تفکیک وضعیت تاهل مورد مقایسه قرار گرفته است. نتایج حاصل از آزمون تی^۰ تست نشان می دهد که رضایت از زندگی در میان مجرد و متاهل متفاوت است و این تفاوت به لحاظ آماری معنادار است. مقایسه میانگین ها در جدول فوق گویای آن است که رضایت از زندگی متأهلین (با میانگین ۱۷/۸) بیشتر از رضایت از زندگی مجرد ها (با میانگین ۱۶/۲۶) است.

فرضیه سوم: بین پذیرش اجتماعی و رضایت از زندگی رابطه وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از آماره پیرسون استفاده شده که نتایج آن در جدول شماره ۴ آورده شده است. با توجه به معنادار بودن جدول شماره ۴ فرضیه H₀ رد می شود. به عبارت دیگر بین پذیرش اجتماعی و رضایت از زندگی رابطه معناداری وجود دارد (۰/۰۴۳). شدت این رابطه در پیرسون ضعیف و جهت آن مثبت است. یعنی با افزایش پذیرش اجتماعی رضایت از زندگی افزایش می یابد، و با کاهش پذیرش اجتماعی رضایت از زندگی کاهش می یابد.

جدول شماره ۴. رضایت از زندگی برحسب پذیرش اجتماعی

آزمون	میزان ضریب	معناداری
همبستگی پیرسون	۰/۱۷۳	۰/۰۴۳

فرضیه چهارم: بین امید و خوشبینی و رضایت از زندگی رابطه وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از آماره پیرسون استفاده شده که نتایج آن در جدول شماره ۵ آورده شده است. با توجه به معنادار نبودن جدول شماره ۵ فرضیه H₀ پذیرفته می شود. به عبارت دیگر بین امید و خوشبینی و رضایت از زندگی رابطه معناداری وجود ندارد (۰/۵۷۱).

جدول شماره ۵. رضایت از زندگی برحسب امید و خوشبینی

آزمون	میزان ضریب	معناداری
همبستگی پیرسون	- ۰/۰۴۶	۰/۵۷۱

فرضیه پنجم: بین ویژگی های شخصیتی و رضایت از زندگی رابطه وجود دارد. برای آزمون این فرضیه از آماره پیرسون استفاده شده که نتایج آن در جدول شماره ۶ آورده شده است. با توجه به معنادار بودن جدول شماره ۶ فرضیه H0 رد می شود. به عبارت دیگر بین ویژگی های شخصیتی و رضایت از زندگی رابطه معناداری وجود دارد (۰/۰۰۸). شدت این رابطه در پیرسون ضعیف و جهت آن مثبت است یعنی با افزایش ویژگی های شخصیتی رضایت از زندگی افزایش می یابد، و با کاهش ویژگی های شخصیتی رضایت از زندگی کاهش می یابد.

جدول شماره ۶. رضایت از زندگی برحسب ویژگی های شخصیتی

معناداری	میزان ضریب	آزمون
۰/۰۰۸	۰/۲۱۴	همبستگی پیرسون

بحث و نتیجه گیری

رضایت از زندگی مفهومی ذهنی برای فرد است که به همراه عاطفه مثبت و منفی سه جزء اساسی بهزیستی ذهنی را تشکیل داده و به ارزیابی های شناختی فرد از زندگی اش اشاره می کند. رضایت از زندگی یک فرایند داوری است که افراد کیفیت زندگی خود را بر اساس ملاک های منتخب خود ارزیابی می کنند. هدف این مطالعه بررسی عوامل اجتماعی موثر بر رضایت از زندگی بوده است. در این تحقیق رضایت از زندگی، ۵۰/۳ درصد پاسخگویان در حد متوسط ارزیابی شده، در مقابل ۱۲/۴ درصد پاسخگویان رضایت کمی از زندگی داشتند و ۳۷/۳ پاسخگویان رضایت زیادی از زندگی خود داشتند. به نظر اینگلهارت (۱۹۹۸) احساس رضایت از زندگی بازتاب توازن میان آرزوهای شخصی و وضعیت عینی فردی به وجود می آید. مدلی را که به منظور تأیید تحلیل های بالا به کار می برد مدل آرزو _ تطابق نام دارد. الگویی که طبق آن آرزوهای شخصی به تدریج با تغییرات در وضعیت عینی تطابق می یابد و این تطابق به گونه صورت می گیرد که بین غم و شادی موازنه ای ایجاد می کند. در اینجا نظریه ی تطابق ذهنی مطرح می شود بدین معنا که سطح آرزوهای فرد به تدریج با وضعیت او تطابق می یابد و خوشبختی همیشه بر فراز تپه ی بعدی قرار می گیرد. پات و دینر رضایت از زندگی را بعنوان فرایند های قضاوتی تعریف کرده اند که در آن افراد کیفیت زندگی شان را براساس مجموعه ای از معیارهای منحصر به فردشان ارزیابی می کنند. یافته ها تحقیق حاکی از آن است بین پذیرش اجتماعی و رضایت از زندگی رابطه معناداری وجود دارد. از نظر کیز (۲۰۰۰) افرادی که سطوح مطلوبی از این بعد بهزیستی اجتماعی را دارا می باشند. دید مثبتی بر ذات بشر دارند، به افراد دیگر اعتماد می کنند و معتقدند مردم قادرند خوب باشند. شناخت و پذیرش دیگران، عنصر پذیرش و ارزش فرد به عنوان یک شریک اجتماعی، عنصر تشریک مساعی و سرانجام باور به تحول مثبت اجتماعی، عنصر شکوفایی بهزیستی است و این عناصر می توانند وحدت اجتماعی، پیوند اجتماعی و حسن ظرفیت برای رشد مداوم جامعه و میزان راحتی افراد در پذیرش دیگران را ارزیابی کنند. به اعتقاد لئونگ و همکاران (۲۰۱۰)، رابطه مثبت پذیرش اجتماعی با رضایت از زندگی به معنای آن است که رابطه مهمی بین بهزیستی (خوشبختی) شهروندان و سطح پذیرش اجتماعی و اعتماد آنها به بخش های عمومی و خصوصی جامعه وجود دارد. در ارتباط با کانال های ارتباطی و اطلاعاتی، شبکه اجتماعی قوی از دوستان عامل مهمی در تعیین سطح رضایت از زندگی فرد به حساب می آید. با توجه به یافته های تحقیق این دیدگاه ها تایید شده است. همچنین یافته های تحقیق گویای آن است که بین ویژگی های شخصیتی و رضایت از زندگی رابطه معناداری وجود دارد. اشتادینگر، فلیسون و بلتز (۱۹۹۷) شخصیت را در رابطه با بهزیستی درونی مطالعه کردند و دریافتند روانجویی با آن به طور منفی ارتباط دارد. انعطاف پذیری، برون گرایی، خودآگاهی، احساس تسلط محیطی، رشد فردی، هدف در زندگی و خودپذیری به

طور مثبتی با بهزیستی درونی و رضایت از زندگی ارتباط دارد. کاستا و مک کری (۱۹۸۷) شخصیت را متشکل از پنج عامل اصلی می دانند. فرض بر این است که این پنج عامل بسیاری از ویژگی های شخصیتی را پوشش می دهد، گرایش عصبی بودن (بی ثباتی هیجانی) با خشم، اضطراب و افسردگی همراه است و برون گرایان نیز تمایل به فعالیت های جسمی و کلامی دارند. شخص وظیفه مدار با سخت کوشی، انضباط و جدیت مشخص می شود. فرد موافق، اساسا با تواضع، همدلی، بخشندگی، مهربانی، سخاوت، نوع دوستی و اعتماد ورزی مشخص می شود. نتایج این بررسی دیدگاه های مربوط به شخصیت و رضایت از زندگی را تایید می کند.

منابع و مأخذ

- امیرکافی، مهدی و بهنام زارع (۱۳۹۱). بررسی تاثیر سرمایه اجتماعی بر شادکامی (مطالعه موردی شهر کرمان)، فصلنامه راهبرد اجتماعی و فرهنگی، شماره پنجم، ۴۱-۷۷.
- اینگلهارت، رونالد (۱۹۹۴). تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- بیانی، علی اصغر، کوچکی، عاشور وحسینه گودرزی (۱۳۸۶). اعتبار و مقیاس رضایت از زندگی، فصلنامه روانشناسان ایرانی، شماره یازدهم، ۲۵۹-۲۶۵.
- جمال زاده، راضیه و محمود گلزاری (۱۳۹۳). اثربخشی امید درمانی در افزایش شادکامی و رضایت از زندگی در زنان سالمند مستقر در مرکز سالمندان شهرستان بروجن، فصلنامه زن و جامعه، شماره دوم، ۳۱-۴۸.
- حجازی، الهه، صالح نجفی، مهسا و جواد امانی (۱۳۹۳). نقش واسطه ای انگیزش درونی در رابطه بین نیازهای بنیادین روانشناختی و رضایت از زندگی، فصلنامه روانشناسی معاصر، شماره دوم، ۷۷-۸۸.
- حسین زاده، علی اصغر، عزیزی، مرتضی و حسین توکلی (۱۳۹۳). حمایت اجتماعی و رضایت از زندگی در نوجوانان: نقش خودکارآمدی و حرمت خود، فصلنامه روانشناسی تحولی، شماره چهل یکم، ۱۰۳-۱۱۴.
- خسروی، زهره و فرزانه ناهیدپور (۱۳۹۱). بررسی رضایت از زندگی، باور به عادلانه بودن دنیا و حمایت های اجتماعی در دانشجویان ایرانی و هندی، فصلنامه جامعه شناسی زنان، شماره دوم، ۱-۱۵.
- خوارزمی، شهیندخت (۱۳۸۸). کیفیت زندگی و شاخص خوش بختی، تهران، تبلیغات هفت تبلیغ.
- دینر، اد و سو یونکوک (۱۳۸۹). فرهنگ و بهزیستی درونی، مترجمان فیرزه غضنفری و ژانت هاشمی آذر، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- رنگین کمان، امیر (۱۳۸۶). رضایت از زندگی، فصلنامه راهبرد، شماره چهل و پنجم، ۱۸۹-۲۰۸.
- شیخی، منصوره، هومن، حیدرعلی، احدی، حسن و مژگان سپاه منصور (۱۳۹۰). مشخصه های روان سنجی مقیاس رضایت از زندگی، فصلنامه اندیشه و رفتار در روانشناسی، شماره نوزدهم، ۱۷-۲۹.
- عسگری، پرویز (۱۳۸۹). رابطه ی پذیرش اجتماعی و نقش جنسیتی با بهزیستی روانشناختی در دانشجویان دختر، فصلنامه زن و فرهنگ، شماره پنجم، ۹۹-۱۱۰.
- علی بابایی، یحیی و بهمن باینگانی (۱۳۹۰). بررسی تاثیر اشکال سرمایه بر رضایت از زندگی (مطالعه جوانان شهرستان پاوه)، فصلنامه پژوهش اجتماعی، شماره دوازدهم، ۱۷-۳۶.
- فاضل، امین الله، حق شناس، حسن و زهرا کشاورز (۱۳۹۰). قدرت پیش بینی ویژگی های شخصیتی و سبک زندگی بر رضایت مندی زوجی زنان پرستار شهر شیراز، فصلنامه جامعه شناسی زنان، شماره سوم، ۱۳۹-۱۶۱.
- فرجی، طوبی و طلایه خادمان (۱۳۹۲). بررسی نقش رضایت از زندگی بر نشاط اجتماعی، مطالعات جامعه شناسی جوانان، شماره دهم، ۸۷-۱۰۲.
- محسنی تبریزی، علیرضا و مهلقا حیدری (۱۳۹۰). بررسی تاثیر امنیت اجتماعی بر میزان رضایت از زندگی در میان دانشجویان (مطالعه موردی: دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی و مدیریت دانشگاه آزاد تهران شمال)، فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره دهم، ۱۰۳-۱۳۶.

- هزار جریبی، جعفر و رضا صفری شالی (۱۳۸۸). رضایت از زندگی و جایگاه احساس امنیت در آن، فصلنامه پژوهش انتظام اجتماعی، شماره سوم، ۷-۲۲.

- Gulaçti, F. (2010). The Effect of Perceived Social Support on Subjective Well-being, *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 2, 3844-3849.
- Holdun, O., Komburoglu, M. D., & Ozgur, M. D. (2007). Postoperative satisfaction and the patients body image life satisfaction, and self-esteem: A Retrospective study comparing adolescent girls and boys after cosmetic Surgery. *Aesthetic Plastic Surgery*, 31, 739-745.
- Muler, Edward N(1995). Economic Determinants of Democracy, *American Sociological Review*, vol 60.
- Quevedo, R.J.M., & Abella, M.C. (2011). Well-being and Personality: Facet- level Analyses, *Personality and Individual Differences*, 50, 206-211.
- Swami, Viren & Chamorro ° Premuzic. Tomas , (2008), *Psychometric Evaluation of the Malay Satisfaction With Life Scale*, Springer Science + Business Media B. V. pp 25 ° 33.

